

تاریخچه خیابان ناصرخسرو تهران

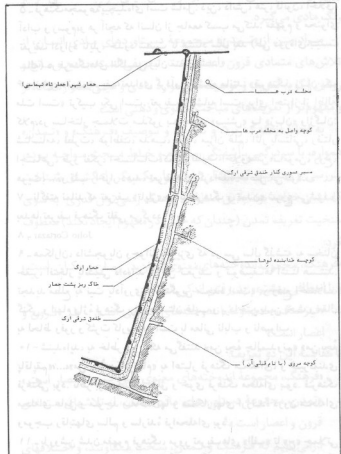
کامران صفامنش
بهروز منادی زاده

خیابان ناصرخسرو یکی از عناصر کهن سال تهران است که گرچه خود بیش از یک صد و سی سال عمر ندارد ولی سابقه بعضی از عواملی که شکل و موقعیت بعدی آن را مشروط کرد، شاید تا ۲۰۰ سال یعنی تا آغاز قاجاریه نیز به عقب برگردد.

ناصرخسرو در مسیر حد شرقی دیواری که برگرد ارگ تهران وجود داشته شکل گرفته است و از این روی مطابق و موازی با خندق و دیوار شرقی قلعه ارگ است. نخستین اقدام برای آبادانی ارگ در زمان شاه عباس اول بود که در این محل چهار باغ و چنارستانی در انداخت و پس از وی نیز شاه سلیمان صفوی یکی دو بنایی در این باغ ساخت، چنان که شاه سلطان حسین نیز از سفیر عثمانی در اینجا پذیرایی کرده است، ولی احداث حصار و خندق ارگ تهران به امر کریم خان زند و به دست استاد غلامرضای تبریزی معمار آن زمان صورت گرفته است. (۱) ولی در این باره که این نخستین حصار و خندق گمرد ارگ باشد یقین نداریم. در هر صورت ساختن خندق و حصار باعث شد که حد شرقی محوطه ارگ تبدیل به راهی عبوری شود که در آن زمان بیش از چند ذری پهنی نداشت.

با به قدرت رسیدن قاجاریه و پایتخت شدن تهران محله شرقی ارگ به نام محله عودلاجان که پیش از آن سراسر باغ بود تدریجاً شروع به شکل گرفتن کرد و به خاطر موقعیت خوبی که از لحاظ دسترسی به آب و فراوانی درخت داشت محل اسکان طبقه نجبا و اشراف و مهاجرینی شد که با پایتخت شدن تهران الزاماً به آن کوچ می کردند. مثلاً محله عربها و کوچه عربها در گوشه جنوب شرقی تقاطع خیابانهای ناصرخسرو و چراغ برق امروزی (۲) که چند سال پیش در اثر بمب گذاری ویران شد، محل اسکان عربهای خزاعه بود که نادرشاه آنها را از ایل مادرشان در فارس جدا کرده و به ورامین کوچانده بود و آقا محمدخان رؤسای عربهای ورامین را که مورد توجه او بودند به تهران خواست و در این محل اسکان داد. نام خدابنده لو نیز که بر یکی دیگر از کوچههای منشعب از ناصرخسرو مانده احتمالاً از نام یکی از ایلاتی که رئیس آن در اوایل قاجاریه در این کوچه سکنی گزیده گرفته شده است. به هر حال محله عودلاجان حداقل به مدت یکصد سال یکی از بهترین محلات تهران بود چنان که مثلاً میرزا آقاخان نوری صدراعظم و همه خویشان وی در این محله می زیستند و دیگر آن که پیش از احداث حصار دوم تهران و پدید آمدن محله اروپاییان در شمال شهر سفارت فرانسه، سفارت پروس (۳) و خانه وزیر مختار عثمانی در این محله بوده است.

مسیر عبوری مورد بحث که به جهت قرارگیری در کنار خندق ارگ به گذر کنار خندق موسوم بود طی ۷۰-۸۰ سال دوره اول قاجار در دو موضع اهمیتی خاص یافت که یکی در فاصله محل برخورد آن با گذر موسوم به جباخانه (بوذرجمهری - ۱۵ خرداد) تا پنجاه قدم بالاتر از کوچه مروی بود و دیگری کمی پایین تر از کوچه خدابنده لو تا کمی بالاتر از بل چوبی چسبیده به درب اندرون یا در شرقی ارگ که به حرم خانه قصر سلطنتی راه داشت و موقعیت آن کم و بیش مطابق با



وضعیت احتمالی مسیر عبوری کنار خندق شرقی ارگ در اوایل قاجاریه
(پیش از فتحعلیشاه)

چاله‌های شهر محل جمع شدن زباله و کثاوت تعفن بود انباشتند و از انتهای این مسیر جدید الاحداث که به حصار شهر ختم می‌شد دروازه‌ای به خارج شهر گشودند، بدین ترتیب خیابان ناصریه در ابتدای تولدش عهده دار نقش تأمین کننده دسترسی از شمال و خارج شهر به دهانه بازار شد.

در ۱۲۸۴ هـ ق کنگلگ احداث حصار دوم شهر بر زمین زده شد^(۱۱) و این آغاز نمادینی بود بر دورانی تازه از زندگی تهران و عناصر شهری آن. مهم‌ترین این عناصر در مرکز شهر قرار داشت، شهر جدید باید مرکزی نو در خور شان خویش می‌داشت. مرکز شهر قدیم سبزه میدان بود ولی سبزه میدان چه از لحاظ حجم و چه از حیث موقعیت و نحوه کارکرد در خور شهر جدید و آرمانهای تازه آن نبود. نقش مرکز جدید تهران را باید میدانی بر عهده می‌گرفت که هم از حیث موقعیت قرارگیری و هم از جهت اندازه و وسعت شایسته تهران جدید باشد.

یکی از جهانگردانی که در زمان قاجاریه میدان توپخانه را دیده، نقش آن را برای تهران به مثابه نقش ترفالگار برای لندن و کنکورده برای

پاریس توصیف کرده است.^(۱۲) این واقعیتی است که در زمان احداث میدان توپخانه باید به نحوی کم و بیش آگاهانه و تمدنی مورد توجه بوده باشد. در واقع این میدان در موقعیتی طراحی شده که محل اشتعاب شش خیابان تهران باشد که بعدها هر یک نقشی اساسی در حیات شهر به عهده گرفتند و شخصیت و اهمیتی ویژه یافتند.

یکی از این شش خیابان ناصریه بود که از جهتی خاص نسبت به پنج خیابان دیگر دارای امتیاز و موقعیتی ویژه بود. ناصرخسرو اتصال دهنده مرکز شهر قدیم و شهر جدید بود که این نقش اساسی را تا امروز نیز حفظ کرده است. اکنون که این نقش تازه، ناصرخسرو را در موقعیت یکی از چند خیابان درجه اول شهر قرار داده بود، لازم بود که سیمای ظاهری آن نیز آراسته و پیراسته شود. از این رو ظرف مدت کمتر از ده سال از زمانی که خندق شرقی ارگ بر شد بنسبیری از عناصر شهری مهمی که امروز در این خیابان سراغ داریم و ناصرخسرو به خاطر آنها شهره است، در حاشیه آن ساخته شد، نخستین این عناصر بنای شمس‌العماره بود که از همان آغاز به صورت جزء لاینفکی از هویت ناصرخسرو در آمد.

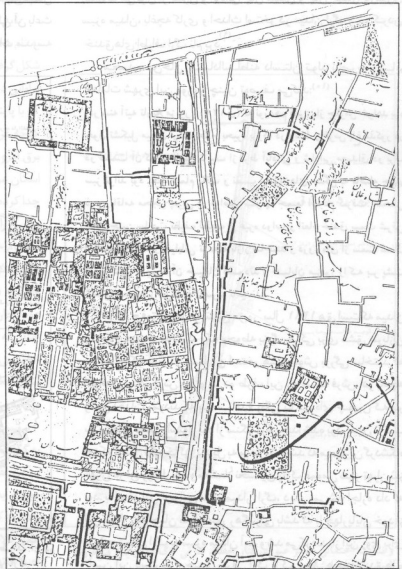
اعتمادالسلطنه در شماره ۲۶ روزنامه شرف، مورخ ربیع الثانی ۱۳۰۲ قمری در این باره چنین می‌نویسد:^(۱۳)

“عمارت مبارکه رفیع‌البنای شمس‌العماره که نظیر عمارات سلطنتی بسیار خوب فرنگستان و در مناعت و متانت بنا و شکوه منظر و بداعت وضع اول بنای سلطنتی ایران می‌تواند بود در سال یک هزار و دویست و هشتاد و چهار بر حسب امر قدر قدر جهانمطاع همایون شاهنشاهی ادم‌الله سلطانه و مباشرت و مواظبت مرحوم نظام‌الدوله دوستعلیخان معیرالممالک با مخارج و مصارف گزاف دولت در سمت شرقی باغ سلطنتی همایونی که طرف دیگر آن منظر به ابتدای خیابان مبارکه ناصری دارد بنا گردید ...”

شمس‌العماره ضمن آنکه تا آن زمان بلکه سال‌ها پس از آن مهم‌ترین بنای تهران به شمار می‌رفت، بلندترین بنای تهران بود و معروف بود که شبیه عمارت‌های فرنگستان است و مهم‌تر از همه آن که ساعتی بر فراز آن نصب شده بود که نماد و مظهر عصر جدید به شمار می‌رفت. بنا به قول اعتمادالسلطنه دروازه سمت شمال ناصریه نیز در همین سال ۱۲۸۴ هـ ق زیور اتمام یافته است.^(۱۴)

در سال ۱۲۸۹ هـ ق تکمیل و تنظیم ناصریه که تا این زمان هنوز سر و سامانی نیافته بود به امین حضور ارجاع

وضعت کناره خندق و دیوار شرقی ارگ در نقشه ۱۲۷۵ قمری (نقشه کریشیش خان اتریشی)



سردری بسیار عالی و تالاری مزین به لطایف آئینه کاری و ظرایف مقرنس و گچ بری رو به مشرق بنا کردند که همه روزه هنگام طلوع آفتاب از تابش لمعات نور تالار مزبور چنان مشعشع و رخشان می‌شود که دیده بیننده را خیره می‌سازد و همه وقت به انواع میل و اسباب گرانبها آراسته و مرتب است که گاهگاه در اوقات اقامت پندگان اقدس همایون در شهر و مقر خلافت عظمی لختی از روز رازات مقدس شاهانه متفرجاً به اینجا تشریف آورده ساعتی جلوس می‌فرمایند و سال قبل را نیز حسب الامر قدر قدر جهان مطاع همایون میدان بسیار وسیعی در جلو این سر در طرح انداخته و بنا کردند که اطراف آن حجرات بسیار خوب برای ارباب حرف و صنایع مستظرفه است و وسط میدان حوض مستدیر بزرگی دارد که همه وقت به قدر یک ربع سنگ و بلکه نیم سنگ آب از فواره آن می‌جهد و نظر به حسن منظر و شایستگی موقع و فسحت فضای این میدان و خیابان چسرافان و آتشبازی دولتی و جشن‌های لیلی اعیاد چندی است که در این میدان مهیا و برپا می‌شود.

و درجای دیگر دربارہ این سر در و جلوخان آن چنین می‌نویسد: (۱۸)

دیگر باب عالی است که در ابتدای خیابان شمس العماره رو به سوی مشرق و مشتمل بر سر دری نغز به طرزی طرقة پرداخته شده و سطوح چهار بدن و سقف آن تماماً آئینه سنگ فرنگ است و در محاذات این عتبه عالیه همین

ایام که مؤلف به تبیض مسودات مشغول است از نویدمانی پرداختند و در سمت شرقی و شمالی حجرات عالی ساختند و این میدان زیاده از حد بیان برصفای شهر افزوده و در دکها و حجراتی که به اطراف دارد صفت زرگرها و نقاشان جا گرفته‌اند و در وسط آن حوضی است مدور با آب دائم جاری و از چهار سمت باغچه‌های گلکاری و به هر عصر در آنجا دو دسته موزیکانچی حسب المقرر مشغول نواختن و آندوه پرداختن می‌باشند.

توصیف اعتمادالسلطنه نقش و موقعیت ممتازی را که این سر در و جلوخان در آن زمان در متن شهر داشته‌اند به خوبی بازگو می‌کند و نشان می‌دهد که این عناصر شهری چه نقش فعال و در عین حال فاعلی در حیات آن روز شهر داشته‌اند و لطافت و نفاست عملکردها و اتفاقاتی که در آنجا واقع می‌شده، چون برگزاری اعیاد، آتشبازی، چراغانی نواختن موسیقی در اوقات عصر، وجود حجرات برای ارباب حرف و صنایع مستظرفه همچون زرگران و نقاشان همراه با حوض و فواره‌ای در میان و باغچه‌های گلکاری در چهار سمت آن چگونه باعث جاذبه و امتیاز فضای این جلوخان و رفعت کیفیت آن می‌شده است.

احداث تیمچه امین السلطان که به تیمچه صدراعظم یا سقاباشی نیز معروف است، مربوط به حدود سال‌های ۱۳۰۰ ه‍.ق است. اعتمادالسلطنه درباره این تیمچه چنین اظهار نظر می‌کند که «به امتیاز و ظرافت و لطف و ملاحات این بنا در میان آثار جدید اسواق دارالخلافه

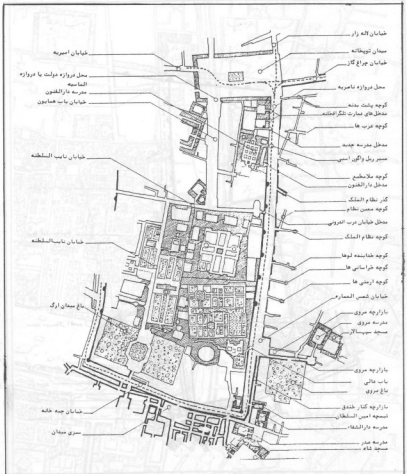
هیچ یک نمی‌رسد.» (۱۹) و در همین تیمچه بود که پس از مشروطیت نخستین بانک ملی ایران به دخالت حاجی محمد اسمعیل قزوینی و حاجی محمد اسمعیل مغازه برای مدت کوتاهی دایر شد.

در سال ۱۳۰۴ یا ۱۳۰۵ ه‍.ق متصل به بناهای دیوانی آرگ، عمارت تلگرافخانه ساخته شد. این بنا عمارتی بود به سبک بناهای قرن‌گستان که به میباشرت علی قلی خان مخبرالدوله وزیر علوم برپا شد و در محل آن اکنون ساختمان تلفن خانه است که بنایی است از دوره پهلوی دوم. مخبرالسلطنه، فرزند مخبرالدوله مذکور در خاطرات خویش این واقعه را چنین ضبط کرده است: (۲۰)

«برای تلگراف خانه رو به میدان توپخانه در سنه ۱۳۰۵ نقشیای مهندسین کشیده بودند، ساختمان آنرا پدرم به سن محول کرد، مخارج پنج هزار تومان برآورده شده بود. این بنا در شمال مدرسه دارالفنون ساخته می‌شود. صحن دارالفنون سه ذرع از میدان چالتر است. بنا دو مرتبه برآورده شده بود، در نیمه جنوبی سه مرتبه شد و مخارج هفت هزار تومان.»

اما اتفاق بسیار مهمی که در این سال‌ها در تهران و از جمله در خیابان ناصریه روی داد ایجاب و آنگون آسبی بود،

وضعیت خیابان ناصریه و تأسیسات شهری جنب آن در سال



واگون اسبی و ماشین دودی نخستین وسایل نقلیه عمومی بودند که در تهران به راه افتادند.

واگون اسبی به خصوص از آن جهت اهمیت دارد که نخستین وسیله حمل و نقل عمومی در تهران به شمار می‌آید. دکتر فورویه فرانسوی که مدت سه سال در اواخر دوره ناصری در دربار خدمت کرد، واقعه افتتاح واگون اسبی را چنین ثبت کرده است.^(۲۱)

۲۰ نوامبر ۱۸۸۹ م، ۲۶ ربیع الاول ۱۳۰۷ ق^(۲۲)

«امروز شاه رسماً اولین خط تراموای را در تهران افتتاح نمود. این خط از میان توپخانه به سمت مشرق می‌رود از خیابان چراغ گاز و مقابل بازار پانمان نزدیک سفارت روس میگذرد. واگونها را طوری ساخته‌اند که یک قسمت وسط آنها محفوظ و پوشیده است تا زنها در آنجا بنشینند و با مردها مخلوط نشوند... تراموای برای طهران بسیار مفید است و بپایه خدمت بزرگی می‌کند زیرا که عبور از خیابانها مخصوصاً از خیابان چراغ گاز به علت کثرت سواره و شتر برای شخص پیاده اشکال فراوان دارد.»

از نقل فورویه می‌توان چنین استنباط کرد که احداث خط واگون

کردن اول چراغ فرمودند. عجلاتو دو سه چراغ از این چراغ به طرز نمونه یکی در داخل عمارت سلطنتی و دیگری در مقابل سر در الماسیه و دیگری در میدان توپخانه جدید نصب و روشن نموده و می‌نمایند تا بعد از تکمیل اسباب و آوردن بقیه مایحتاج آن از فرنگستان انشاءالله تعالی در بعضی از خیابانهای دولتی عموماً دایر شود.»

«کارخانه چراغ گاز نیز که اسباب آن را جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم مشیرالدوله حاجی میرزا حسین خان از فرنگستان خواسته و آورده‌اند به توسط همین مسیو فایوس بنا شده و عن قریب ان شاءالله تعالی در دارالخلافه دایر خواهد شد.»

با کشته شدن ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳ هـ ق دوره اول شکل‌گیری خیابان ناصریه که آغاز آن از زمان شروع ساختمان حصار دوم است پایان می‌یابد. در این دوره شهر از حالت شهر قدیم و سنتی خارج شده و با الگوهای متفاوت ساخته می‌شود. ویژگی ساختن شهر در این دوره توسعه‌های طراحی شده و مقیاس بزرگ از روی نوعی سرمشق و مدل تخیلی از شهر فرنگستانی است.

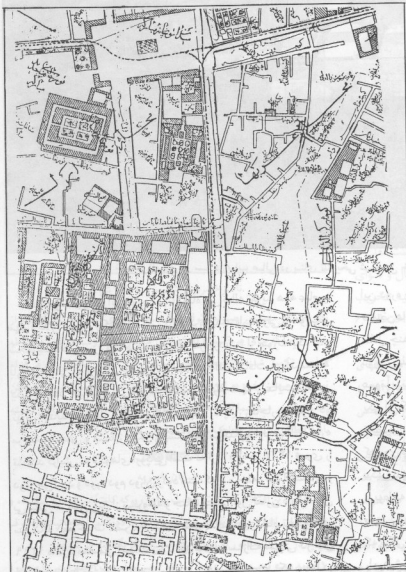
اسبی در ناصریه پس از خیابان چراغ گاز انجام شده است. نکته دیگری که از یادداشت فورویه بر می‌آید، شدت ازدحام سواره‌ها و شترها در خیابانهای اصلی شهر است که ناصریه نیز یکی از آنها بوده است. نقطه شروع همه خطوط واگون اسبی مرکز شهر، یعنی میدان توپخانه، بود و مسیری که از ناصریه می‌گذشت و به دهانه بازار و سه راه گلپندک می‌رسید محتملاً پر مسافرترین خطوط به شمار می‌رفت.

مورد دیگری که پیش از احداث خطوط واگون اسبی در تهران واقع شد و بر جریان زندگی در خیابانهای اصلی تهران تأثیر نهاد، استفاده از چراغ گاز برای روشن کردن خیابانها در شب بود که یکبار ساعات استفاده از خیابانها و باز بودن مغازه‌ها را به نحو مؤثری افزایش داد. احداث کارخانه چراغ گاز یکی از اقداماتی بود که پس از بازدید شاه از فرنگستان و عمدتاً به همت میرزا حسین خان سپهسالار برپا شد و این در سال ۱۲۹۸ هـ ق بود. اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۹۶ هـ ق درباره چراغ برق و چراغ گاز چنین آنگهی می‌دهد:

«جمعه مقدمه موکب اعلی تشریف فرمای شهر شده شب را توقف و اقامت فرموده و هنگام غروب را به کارخانه الکتریسته که چندی قبل اسباب آن را به توسط جناب امین‌الملک از فرنگستان آورده و در مجمع صنایع جنب خیابان باب همایون مسیو فایوس معلم و استاد این عمل کارخانه آن را دایر داشته است تشریف فرما شده تینما به دست مبارک افتتاح به روشن

وضعیت خیابان ناصریه در نقشه ۱۳۰۹ قمری (نقشه عبدالغفار

خان نجم الملک)





شمس‌العماره و سر در باب عالی دو بنای تاریخی شاخص خیابان ناصرخسرو به شمار می‌روند.

این دوره ساخته شده‌اند ولی از هیچ کدامشان، احتمالاً به دلیل تعریض‌ها و نوسازی‌های زمان پهلوی اول، اثری نمانده است. تنها از خلال چند عکس است که می‌توان از شیوه نامسازی در ناصریه پیش از دوران پهلوی گمانی، هرچند کلی و مبهم حاصل کرد. این عکس‌ها عموماً بدنه خیابان را در مقیاس یک نمای دو طبقه نمایش می‌دهند. در یکی از عکس‌ها که سر در باب عالی را پیش از آن که طرفین آن به مغازه تخصصی داده شود، نشان می‌دهد، طرف راست باب عالی دیواری است که روی سطح آن با طاق نماهایی دو طبقه تزئین شده است و در گوشه عکس نیز حوض مدور جلوخان پیداست. در سری عکس‌های دیگر که مربوط به دوره‌های متاخرتر است، جای این دیوار را ساختمان دو طبقه طولی گرفته که طبقه بالای آن ایوانی سراسری است بر فراز پیاده رویی که شکل یک سایات را به خود گرفته است و ردیف ستون‌هایی که ایوان را بردوش گرفته‌اند، پیاده رو را از خیابان جدا کرده است. جالب است که

خیابان ناصریه در این دوره نسبتاً کوتاه‌سی ساله تقریباً همه عناصر مهیم و کلان شهری را که از آن پس تا به امروز به عنوان جزئی از هویت و شخصیت ناصرخسرو شناخته می‌شوند، دارا گردید و از صورت یک گذر باریک خاکی که از کنار خندقی انباشته از زباله و کثافات می‌گذشت به یکی از چند خیابانی بدل شد که چشم و چراغ شهر و غایت آرمایی تهران جدید به شمار می‌رفتند. از این پس تا پایان قاجاریه تهران دو مرحله مشخص و متمایز دیگر را پشت سر می‌گذارد. اولین آنها دوره تشدید گرایش به الگوهای اروپایی است که از ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۴ قمری را در بر می‌گیرد و دوره دوم دوران رکود است که با مرحله رکود اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی پس از مشروطه و جنگ جهانی اول تقارن دارد. دوران سی‌ساله دوم حیات ناصریه از گشته شدن ناصرالدین شاه تا کودتای ۱۲۹۹ ه. ش. متضمن احداث بنا یا اقدام شهر سازانه مهمی در این خیابان نیست. حتماً بسیاری از ساختمان‌های تجاری و تک بناها در

محور تقارن و ورودی این بنا روی محور ساختمان شمس العماره قرار گرفته و شاید مدخل دومی از خیابان به جبهه شرقی ساختمان شمس العماره بوده است.

تا قبل از ورود اتومبیل که سطح خیابان‌ها نیز خاکی بود مرز تفکیک روشن و مشخصی میان پیاده رو و سواره وجود نداشت. یکی از دیگر عکس‌های ناصریه مربوط به دوران پیش از آمدن اتومبیل است. این عکس تمام سطح خیابان، یعنی حداقل میان دو بدنه آن را پیاده رو وسیع و پرازدحامی نشان می‌دهد که مردم و چهارپایان بی‌هیچ ترجیحی در همه جای آن ایستاده یا در حرکت هستند.

دوره سوم حیات ناصریه یا ناصرخسرو امروزی از زمان کودتای ۱۲۹۹ هـ ش آغاز می‌شود. بلافاصله پس از کودتا، بلدیّه نیرومندی به وجود آمد که پس از سی سال آخر قاجاریه که دوران رکود شهرسازی با برنامه است حرکت‌های تازه‌ای را در کالبد و سازمان دهی اجتماعی زندگی شهری شروع کرد. شهرسازی این دوران از حیث مقیاس اقدامات، با شهرسازی دوران ناصری قابل مقایسه است لیکن الگو و آرمان متفاوتی را پیش روی دارد. آرمان شهرسازی نوین نیز شهر اروپایی است ولی این بار آن را همچون دوره ناصری به مثابه یک رؤیا و یک تخیل از سرزمین فرنگستان مجسم نمی‌کنند بلکه آن را به عنوان واقعیتی مدنظر قرار می‌دهد که مظهر جامعه‌ای مرفه و پیشرفته است و از این روی باید سرمشق قرار گیرد و تقلید شود. سویه دیگر این نگرش نفرت و تلقی منفی از همه مظاهر و عناصر قدیم و موجود شهر ایرانی و زندگی شهری سبک ایرانی است که دلیل و نشانه عقب‌ماندگی تلقی می‌شوند. با این نگرش اقدامات شهری جدید با کالبد موجود سراساز ندارند و کوششی برای تطبیق با آن انجام نمی‌دهند بلکه آن را در هم می‌ریزند و نظم و قانون خود را بر آن تحمیل می‌کنند. شکی نیست که وجه مثبت این اقدامات را نیز نباید از نظر دور داشت. ساده‌ترین و ملموس‌ترین دستاورد اینها نظم و پاکیزگی محیط شهری است. نقلی از مجله بلدیّه شماره ۱۳ مورخ بهمن ماه ۱۳۰۴ هـ ش حال و هوای اقدامات شهری را به خوبی بازگو می‌کند. این گزارش قضیه تخریب دروازه ناصریه و قطع درختان کهن سال آن را که در آن زمان احتمالاً ۶۰ ساله بوده‌اند مطرح می‌کند.^(۱۲)

پس از اینکه بلدیّه با تحمل یک سلسله موانع و مشکلات سباباطهای معابر را محض رفاهیت و آسایش اهالی از میان برداشت در صدد برآمد که قسمت‌های پیاده رو را نیز مرتّم نموده تحت صورت صحیح و منظمی درآورد. خیابان‌های عمومی که اکنون اصلاح شده و راپرت آن متردجا به اطلاع عمومی می‌رسد از مدت‌های مدید در اثر تجاوزات نامشروع مالکین مستغلات و پاره علل دیگر وسعت اصلی خود را از دست داده و فقط یک جاده باریک کثیف و پر از پستی و بلندی و حفره‌های خطرناک در اطراف آنها واقع شده بود که پیاده رو بشمار می‌رفت و در هر قدم دکاندارها و کسبه بساطهای خود را برای نمایش به خارج چیده راه را مسدود کرده بودند. عابرین پیاده ناچار از پیاده رو چشم پوشیده قسمت وسط خیابان را با وجود

مخاطرات بیشمار آن معبر خود قرار داده بودند و هر روز بعده فجایع و تلفاتیکه به واسطه سرعت سیر اتومبیل، درشکه و غیره رخ می‌داد افزوده می‌شد به طوری که بالاخره برای تخفیف این قبیل حوادث ناگوار از طرف تنظیمه قدغن شد که اشخاص پیاده از کنار حرکت کنند. ولی با این که آژان‌ها تا نهایت جدیت برای انجام امر مذکور کوشش داشتند و از طرف اداره نیز بساطهای کسبه پرچیده شده بود مزالک عابرین مخاطرات وسط خیابان را بر آن جاده‌های تنگ غیرقابل عبور ترجیع داده باین ترتیب عادت کرده بودند... بنابر مراتب فوق ضرورت اقدام بلدیّه در این مورد هر لحظه شدت می‌یافت و از طرف دایره ساختمان بدو از خیابان ناصریه، سپه و پهلوی با سرعت به کار پرداخته شد. در این ضمن اقدامات دیگری از قبیل مرمت مجاری، تغییر راه آهن تراموه، برداشتن اشجار و غیره به عمل آمده است و در ضمن انتشار تدریجی صورت مصارف - که سهمی از آن بهر یک از مالکین تعلق گرفته - از نظر قارئین می‌گذرد ترتیب وصول وجوه و مصارفیکه با رعایت صرفه جویی کامل از هر حیث توسط ساختمان به عمل آمده تحت



ناصرخسرو در شهریور ۱۳۰۱ ش

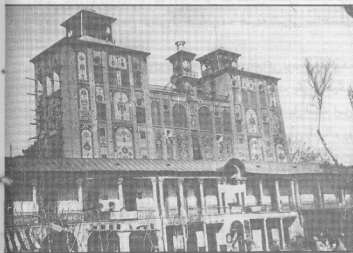
نظر یک نفر مهندس بصیر مسئول و یک مفتش اداری بوده است و گذشته از سند خرجیکه برای هر قسمت به تصدیق مباشرین و روسا ادارات مربوطه صادر و تکمیل شده دفتر مخصوصی هم به محض اطلاع مالکینی که هر کدام نسبت به سهمی خود در این مصارف شرکت داشته‌اند تنظیم گردیده و ممکن است هر کس مستقیماً به آن مراجعه نماید یا نتوانچه ایراد و اعتراض داشته باشد مطابق اسناد و مدارک موجوده جواب داده شود.^(۱۳)

خیابان ناصریه

خیابان ناصریه

علاوه بر اصلاح و مرمت قسمت پیاده رو که کلیتاً سنگ فرش شده و هنگام عبور ابداء زحمتی به عابرین متوجه نمی‌گردد سایر اقداماتی که از طرف بلدیّه در خیابان مذکور به عمل آمده است ذیلاً نگاهشته می‌شود:

۱- سه دهنه مجرّدی‌های وسط دروازه ناصریه قسمت اعظم معبر را مسدود



خیابان ناصری - طهران
VI-61, Boulevard Nasery, TEHRAN

خیابان ناصریه - دید از جنوب به شمال
جلو خان شمس العماره در طرف راست و مسیر رفت و برگشت واگون آسی
در طرف چپ تصویر دیده می شود.



شمس العماره زمانی که ساخته شد بلندترین بنای تهران بود

ساخته بود. از این گذشته به واسطه سایه بنای مرتفع دروازه قسمت داخلی میدان سپه همیشه در فصل زمستان بـیخ بسته مزاحم عابـرین و وسایط نقلیه می شد باین جهت دروازه مذکور را خراب نمودند.

۲ - چون سمت غربی خیابان که واگون از آنجا می گذشت سراسیم بود لذا کمیابن واگون ناچار در مسافت زیادی خط آهن را از کف پیاده رو و خیابان بالاتر ساخته بود به طوری که آن نقطه در مقابل خیابان حکم یک پرتگاه خطرناکی را داشت. به علاوه خط مذکور در یک قسمت اعظم خیابان به کلی از پیاده رو عبور می کرد و مستاجرین مستغلات غربی و مشتریان آنها از این حیث در فشار و شکنجه بودند. حالیه این محظور مرتفع شده و خط تراموه از وسط خیابان می گذرد.

۳ - در کناره مجاری غربی خیابان اشجار کهن سال وجود داشت که قسمتی از معابر به مناسبت ضخامت و عظمت آنها مسدود شده بود و بلدیة آنها را قطع نمود.

۴ - مجاری اطراف خیابان گلی و ناهموار و به مناسبت راکد ماندن آب متجلباب متعنی تشکیل داده بود و با این حال آب مشروبی نیز از آنجا عبور کرده بحفظ الصحه اهالی سکنه بزرگی وارد می آورد. اکنون مجاری مذکور را کاملاً مرمت نموده روی آن را پوشانیده اند که کسبه خیابان نتوانند مانند سابق زباله و غیره را در آن بریزند و کثافات بکلی رفع شده است. و اندکی پس از آن یعنی در ۲۰ تیر ماه سال ۱۳۰۷ ه. ش در روزنامه اطلاعات چنین می خوانیم: (۲۳)

«بحسب تصمیم اداره بلدیة به وسعت خیابان ناصریه به مقدار چهار ذرع از ناحیه درب اندرون الی محل مطب شیر و خورشید اضافه خواهد شد از روز گذشته شروع به توسعه خیابان و انهدام دکاکین نموده اند.»

این تخریب مربوط است به جبهه غربی ناصرخسرو از خیابان سوارسرافیل کنونی به طول حدود ۹۰ متر به سوی شمال و حتی شاید عقب نشینی دیواره دارالفنون را نیز شامل شده باشد زیرا می دانیم که ساختمان دارالفنون یک بار در حدود سال ۱۳۱۳ ه. ش بازسازی شده است. قدر مسلم آن که از نقل قول صریح فوق در مورد عقب نشینی چهار متری ساختمان های این جبهه از ناصرخسرو، سن نسبتاً دقیق ساختمان های قدیمی این نما را می توان حدس زد که احتمالاً مربوط به سال های ۱۳۰۹ تا ۱۳۰۷ ه. ش است.

خبر دیگری از روزنامه اطلاعات مورخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۱۳ ه. ش زمان کف سازی خیابان را معلوم می دارد: (۲۴)

«بلدیة تهران حمل کردن خاک و شفته ریزی و سنگ فرش کف خیابان ناصریه را به شرح ذیل بمناقصه واگذار می نماید:
حمل خاک کنده شده کف خیابان ناصریه از مقابل شمس العماره تا دهنه بازار از قرار گز مکعب.

سنگ فرش کف خیابان طبق نمونه موجوده با سنگ لاشه و با سنگ قلوه از قرار گز مربع.
شفته ریزی قسمتی از اطراف خیابان به قطر (۱۵) سانتیمتر با ماسه از قرار گز مربع.



نمایی از خیابان ناصر خسرو تهران در عهد قاجار

اصالح از هر قبیل به عهده بلدیة است و پای کار تحویل می شود. داوطلبان مناقصه پیشنهادات خود را از تاریخ نشر این اعلان لغایت ۷ روز دیگر به اداره مباشرت بلدیة تسلیم نمایند و لازم است هر یک از پیشنهاد دهندگان معادل یک هزار ریال به عنوان ودیعه در صندوق اداره عایدات بلدیة بگذارند هرگاه مناقصه به نام ایشان اصابت و از قبول یا انجام آن خودداری نمایند ودیعه به نفع بلدیة ضبط گردد. بلدیة در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.

و دو ماه بعد در تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۱۳ ش در همان روزنامه چنین می خوانیم: (۲۵)

«از طرف مامورین بلدیة برای ساختمان و سنگ فرش خیابان شاه تا جلورخان بهارستان اقدامات سریعی در جریان است و اکنون در طول خط مزبور مشغول سنگ فرش می باشند. برای اسفالت کلیه خیابان ها نیز مطالعات کامل به عمل آمده که هر چه زودتر شروع به اسفالت خیابان ها بنمایند.»

اسفالت خیابان ناصریه تا نزدیک بازار خاتمه یافته و شروع به اسفالت خیابان جبه خانه خوانده نمود ...

از نقل فوق چنین می توان نتیجه گرفت که گویا تصمیم اردیبهشت ماه در مورد سنگ فرش کردن خیابان ناصریه تا دو ماه بعد، یعنی در تیرماه به اسفالت تبدیل شده باشد. نکته ای که نباید دست کم گرفت تأثیر اتومبیل برچهره ناصریه و عملکردهای حاشیه آن است. اتومبیل قبل از دوره پهلوی در تهران وجود داشت، ولی تعداد آن چندان نبود که تأثیر شاخصی بر چهره شهر داشته باشد. در دوره پهلوی نیز اتومبیل در درجه اول به عنوان یک وسیله نقلیه عمومی بین شهری اهمیت یافت زیرا اولاً خود تهران آن چنان کوچک و وقت آن چنان کم ارزش بود که اغلب مسیرها پیاده طی می شد و برای مسافت دورتر نیز به بیش از درشکه نیاز نبود، ثانیاً اتومبیل شخصی به نسبت در آمد گران تر از آن بود که به یک وسیله نقلیه رایج تبدیل شود.

از سوی دیگر دوره رونقی که پس از کودتا اندک پا گرفت شمار زیادی مسافران و مهاجران شهرستانی را به تهران فرا می خواند. از این

روی در بعضی از خیابان‌های مرکز شهر خصوصا چراغ برق، ناصریه و سپه تعدادی گاراژهای مسافربری و مسافرخانه به وجود آمد و حتی بعضی عملکردهای دیگر به سوی این گونه خدمات کشانده شد. در بخشی از سفرنامه سدیدالسلطنه که مربوط به سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ هـ ش است، اشاراتی می‌توان یافت که گواه بر موارد مذکور است: (۲۱)

«صبح منزل آقای مرشدی رفته نبودند. منزل خود را تغییر داده‌اند. از گاراژ بین المللی به مهمان‌خانه اورپانت رفته و باز تغییر داده‌اند به شعبه گاراژ حسینی رفته‌اند. دو نقطه اخیر در خیابان چراغ برق و نقطه اول در خیابان ناصری واقع شده.»

و در جای دیگر چنین می‌خوانیم: (۲۲)

«آقا سید حسین شرافت سابقاً کتابخانه شرافت را تاسیس بعد تبدیل به قرائت‌خانه شرافت کرده خانه از محمود میرزا پسر بهمن میرزا که شاهزاده سالخوردی است در خیابان ناصریه در ماهی ۲۵ تومان اجاره کرده اتصال به سقاخانه آیینه دارد. چون چند اتاق به غیر سالون قرائت‌خانه دارد، آنها را مسافرخانه کرده‌اند.»

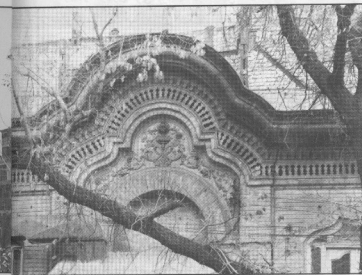
در سال ۱۳۱۷ و ۱۳۲۵ هـ ش برق کشی و لوله‌کشی آب تهران آغاز شد. برق کشی همان تاثیریری را که آمدن چراغ‌گاز به خیابان‌ها در ۶۰ سال پیش از آن نهاده بود، در مقیاسی وسیع‌تر بر جای نهاد. خیابان‌ها در طول شب روشن شدند. ساعات فعالیت در آنها بیشتر شد و این به رونق خیابان و کسب و کار در آن کمک کرد. از همین زمان‌ها است که باید بورس لوازم الکتریکی در ناصرخسرو پا گرفته باشد لوله‌کشی آب نیز وابستگی کارکرد ساختمان‌ها به جوی آب را از میان برد و امکان استفاده از آب در طبقات فوقانی ساختمان‌ها را فراهم آورد.

از سالهای ۱۳۰۰ شمسی به بعد که جمعیت تهران منظم‌ا رشد کرده و قدرت خرید نیز افزایش می‌یافت عملکردهای تجاری و خصوصا عمده‌فروشی‌ها در مرکز شهر شروع به رشد کرده و از آن زمان حدود هفتاد سال است که این رشد منظم در ناصرخسرو ادامه دارد. جالب اینجا است که رشد خدمات عمده‌فروشی در مرکز شهر نخست راه حل‌های معمارانه خاصی برای متمرکز کردن حجم زیادتری از واحدهای کسب در حاشیه خیابان‌های اصلی این ناحیه مطرح کرد. این راه حل‌ها که از همان سرامهای قدیمی ایرانی الهام گرفته شده‌اند سرامهای دو یا چند طبقه‌ای هستند که سرویس و تخلیه بار در حیاط آنها صورت می‌گیرد. تعدادی از دفاتر کم‌فعالیت‌تر و کارگاه‌ها و انبارهای آنها نیز به جای آن که در بدنه خیابان باشد در داخل در چهار سوی این حیاط قرار گرفته است. در ناصرخسرو نیز چندتایی از این سرام‌ها خصوصا در نیمه شمالی خیابان می‌توان یافت.

فاصله بین سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ هـ ش دوران رکود نسبی ساختمان‌سازی در ناصرخسرو است که بی‌گمان با رکود اقتصادی این دو دهه نیز بی‌ارتباط نیست. تنها بنای مهمی که در این دوره در ناصرخسرو ساخته شد، ساختمان وزارت دارایی بود. این بنا در محل اندرونی کاخ گلستان احداث شد برای ساختمان آن باقی مانده

عمارت‌های حرم‌خانه و نیز عمارت خوابگاه که در وسط آنها واقع شده بود، تخریب شد. با احداث ساختمان وزارت دارایی بخش قابل توجهی از نمای جبهه غربی ناصرخسرو از حالت یک بدنه یا دیواره دو طبقه تبدیل به محجره آهنی شد که بر دیواره سنگی کوتاهی نصب شده است و از ورای آن احجام چند طبقه ساختمان مدرن وزارت دارایی نمایان است.

در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی با رونق نسبی اقتصاد کشور و رشد خدمات تجاری در تهران موج نوینی از ساختمان‌سازی در ناصرخسرو آغاز شد که از لحاظ اصول و سبک معماری به کلی با آنچه که ناصرخسرو تاکنون بر اساس آن شکل گرفته بود متفاوت است، طبیعتا



نمونه‌ای از نما سازی ظریف و زیبایی بناهای تجاری که پس از تعریض ناصر خسرو در فاصله‌های سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ هـ ش ساخته شده‌اند.

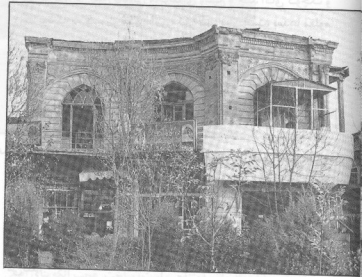
این موج نوین ساختمان‌سازی تعدادی از بناهای قدیمی را با ساختمان‌های نوساز جایگزین کرده و به جهت تفاوت اصول معماری جدید و قدیم ناهماهنگی در سیمای بدنه خیابان رخ داده است. ضوابط طرح جامع و طرح تفصیلی نیز که از اواخر دهه ۴۰ در خیابان اعمال می‌شود نسبت به این عدم هماهنگی حساسیتی ندارد بلکه با اجازه ساختمان‌های بیش از دو طبقه به تشدید ناهماهنگی کمک می‌کند. اغتشاش در سیمای بدنه‌های خیابان تنها معلول برپا شدن ساختمان‌های نوساز سبک مدرن نیست بلکه تعمیرات و تغییرات ساختمان‌های قدیمی نیز به شیوای مغایر با قانونمندی‌ها و نوع مصالح به کار رفته در نماهای قدیمی اعمال می‌شود.

اکنون خیابان ناصرخسرو به عنوان یک عنصر شهری که از اجزا و قطعات بسیار تشکیل یافته است، آمیزه‌ای از ناهماهنگی، اغتشاش و فرسودگی است که هر ارزشی در میان آن رنگ می‌بازد. به عبارت دیگر نفی ارزش‌ها در خیابان ناصرخسرو تنها محدود به ویژگی‌های کالبدی خیابان نیست بلکه در بعد خصوصیات تاریخی و اجتماعی آن نیز صورت گرفته است. حاصل این نفی در مجموع تنزل کیفیت خیابان به

مشابه یک پدیده فرهنگی و یک مکان فرهنگی است.

در سطحی عمیق‌تر شاید بتوان این ناهماهنگی‌ها و پربشانی‌ها را در تضاد حل‌نشده سنت و قدمت با تجدد و نو شدن جستجو کرد. این تضاد هر چند نزدیک به دو قرن است که به تدریج در الگوهای که محیط‌های شهری ما را شکل می‌دهند رسوخ کرده اما خصوصاً طی هفتاد سال اخیر شدت گرفته است و همواره کالبد موجود و روش ساخت موجود را که حاوی تاریخ و فرهنگ گذشته است نسبت به آنچه که می‌خواهد جایگزین آن شود، محقر و عقب افتاده جلوه داده است، و در نتیجه همواره به نفی مطلق آنچه که موجود است (قدیم) در برابر آنچه که می‌خواهد جانشین آن شود (جدید) انجامیده است. به همین

دخالت آنها در شکل دادن به محیط شهر مؤثر است باید دست به دست یکدیگر دهند و روند توسعه شهری، الگوی ساختمان سازی، مقررات و ضوابط شکل دهنده محیطهای شهری، نحوه استفاده از کالبدهای تاریخی، الگوی کاربری اراضی و نحوه توزیع فعالیت‌ها در محیط شهر، روش استفاده از وسایل و سیستم‌های حمل و نقل ... و بسیاری عوامل دیگر را از جهت فعلی‌شان که نفی کیفیت‌ها و ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است به سوی تقویت و شکوفایی این کیفیت‌ها و ارزش‌ها برگردانند. این بی‌تردید کار آسانی نیست، اما اگر چنین نکنیم شهرهای آینده ما از مظاهر شهر نشینی نوین بهره‌ای جز ناهماهنگی، اغتشاش، از خود بیگانگی و آلودگی نخواهند داشت.



فرسودگی و تغییرات غیر اصولی در نمای ساختمان‌های قدیمی ارزش‌های فرهنگی و تاریخی خیابان ناصر خسرو را تضعیف کرده است.

دلیل حاصل روند اجتناب‌ناپذیر توسعه شهری به جای آن که زنجیره به هم پیوسته‌ای از تحول تدریجی باشد که ضمن بهره‌مندی از کیفیت‌های رفاهی و استانداردهای زندگی نوین به سبب پیوستگی‌اش با گذشته تاریخی، ارزش‌های فرهنگی را نیز در کالبد و مکان خیابان جلوه‌گر سازد به قطعات و اجزا از هم گسیخته‌ای تبدیل شده است، لذا هم از ارزش‌های فرهنگی یک محیط تاریخی بی‌بهره است و هم از مزایای یک فضای شهری مدرن و پیشرفته، روشن است که این از هم گسیختگی تنها مختص خیابان ناصرخسرو نیست بلکه در همه بافت‌های تاریخی شهرهای ما بیش و کم دیده می‌شود. زیرا ارتباط سنت با تجدد و قدمت با نو شدن در وجدان توسعه ما حل نشده است و ما نتوانسته‌ایم میان ارزش‌های نهفته در بافت‌های تاریخی با ارزش‌ها و استانداردهای رفاه که باید در ساختمان‌ها و محیط‌های شهری امروزی وجود داشته باشد، همخوانی و هماهنگی ایجاد نماییم و این ارزش‌ها را با یکدیگر جمع کنیم.

اکنون یکی از مسایل بزرگی که پیش روی ما قرار دارد حل این مسئله است. همه متخصصان و دست‌اندرکارانی که تصمیم‌گیری و



ناصر خسرو امروزی زیر بار ازدحام و فرسودگی رنگ باخته است.

دارالفنون

امروز در جبهه غربی خیابان ناصرخسرو نزدیک به میدان توپخانه سر در آجری نسبتاً بلندی با طرح قوس شکسته ایرانی همراه با ستونهایی در طرفین آن در متن یک نمای آجری ساده و بدون تزئین قرار گرفته است، این سر در راه به مکانی می‌برد که نخستین مرکز دانشگاهی با شیوه نوین آموزش در آسیا بوده که حدود یکصد و چهل سال پیش، شانزده سال قبل از آنکه نخستین از این نوع مراکز آموزشی در ژاپن تاسیس شود، در تهران گشایش یافته است. این سردر دارالفنون است که یک قرن پیش مردانی را در کانون علمی خویش پرورده که بسیاری‌شان در نقش پزشکان، مهندسان، استادان، دولتمردان و سیاستمداران در تحول بنیان‌های کهن استبداد و جهل در جامعه‌کاری برعهده گرفتند و پایه‌های علمی، فنی و سیاسی حیات اجتماعی نوین ایران را در عرصه جهان امروزی پی‌افکندند. از این‌روی نقش این مرکز آموزشی نسبتاً کوچک در تاریخ معاصر ایران چنان است که تصور پیمودن راهی که ایران در یکصد و پنجاه سال اخیر در سیر تحولات

اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی طی کرده بدون آن امکان‌پذیر نیست.

دارالفنون امروز در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار دارد و مرکز تربیت معلم است. بدین لحاظ ضمن آن که هنوز نقش آموزشی خود را حفظ کرده ولی آن شخصیت والا و یگانه‌ای را که تا شصت سال پیش داشت از دست داده است. خود ساختمان دارالفنون نیز همچون نقش عملکردی‌اش، در کلیات و الگوی اشغال فضا همان است که در ابتدا بوده ولی ساختمان آن طی این مدت دوبار بازسازی شده و اصالت سبک معماری نخستین خود را از دست داده است.

طرح بنای مدرسه دارالفنون را میرزا رضای مهندس (یکی از پنج دانشجوی اعزامی به اروپا در زمان عباس میرزا که در انگلستان در رشته مهندسی توپخانه تحصیل کرده بود) ریخت و بنای آن توسط محمد تقی خان معمار باشی پدرزن ناصرالدین شاه آغاز گردید. امیرکبیر با علاقه بسیار غالب ایام شخصا عملیات ساختمانی و پیشرفت کار را نظارت می‌کرد به طوری که در اواسط سال بعد ابتدا کارهای ساختمانی بخش شرقی مدرسه پایان یافت و قبل از اینکه سفر پنج ماهه ناصرالدین شاه به نقاط مرکزی ایران که در نیمه دوم سال ۱۲۶۷ ق صورت گرفت آغاز شود امیر ترتیب تهیه وسایل و اثاثیه مدرسه را به صورتی که در خور یک مدرسه عالی باشد داد.

دارالفنون گرچه در آغاز تنها نقش آموزش علوم نظامی و طب را داشت ولی تدریجا آموزش‌ها و کارکردهای هنری و فرهنگی نیز در آن توسعه یافت چنانکه در آن نقاشی و موسیقی نظام نیز تدریس می‌شده و لرد کرزن که در حدود اواخر سلطنت ناصری از آن بازدید کرده علاوه بر کتابخانه از وجود سالون کنسرت و تئاتر نیز در آن یاد کرده است.

حسن مقدم که در سال ۱۳۰۰ ش در تالار دارالفنون سخنرانی کرده درباره تماشاخانه آنجا و ارتباط آن با نهضت ترجمه و اقتباس چنین می‌گوید:

اولین بنای تئاتری که در ایران ساخته شده در عهد ناصرالدین شاه بوده و آن بنا همین تالاری است که اکنون مرا در آنجا به تشریف قدم خود مفتخر فرموده‌اید ولی شکل حالیه آن را در نظر نیآورید، چه صورت اولی آن تغییر یافته، بنا با وجود کمی وسعت، تئاتر صحیح و قشنگی بوده به طرز تئاترهای اروپا و گنجایش قریب سیصد نفر تماشاچی را داشته است. تاسیس آن تئاتر به آقای مزین الدوله نقاشی منسوب است. به علاوه اولین پیش‌هایی که در آنجا بازی شد، پیش‌هایی بود که خود ایشان به ذوق و سلیقه شخصی از مولیر ترجمه کرده بودند.

حسن شیروانی به نقل از رفیع حالتی درباره تماشاخانه دارالفنون و نمایش‌هایی که در آن نشان می‌دادند می‌نویسد:

ناصرالدین شاه پس از سفر فرنگ و دیدن برنامه‌هایی از کمدی فرانسه، دستور ساختن تئاتر کوچکی را در مجاورت اندرون شاه می‌دهد. در این تئاتر معلم نقاش و فرانسه‌دان شاه، علی اکبر خان مزین الدوله با کمک مقلدین درباری، کریم شیراء، اسماعیل بزاز و ... نمایشنامه‌های ترش‌هلی

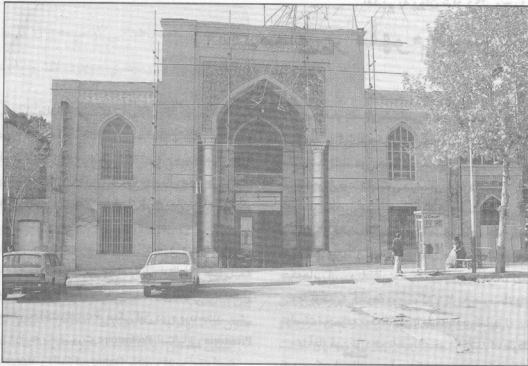
یک، هانس پینه دوز و عروس اجباری مولیر را به معرض نمایش می‌گذارد. این نمایش‌ها از زری نمایشنامه بازی نمی‌شد بلکه بازیگران فی‌البدیه ایفای نقش می‌کردند ... نور سالی صحنه تالار نمایش با گاز تهران تامین می‌شد و چراغ‌های گاز صحنه را روشن می‌کردند.

ساختمان دارالفنون دارای پنجاه اتاق در چهار طرف بود که قسمتی از دیوارهای آن به گنج‌بری‌ها و نقش‌ها و تذهیبات بدیع آراسته بود. جلو اتاق‌ها ایوان بود، میان حیاط دارالفنون حوض بزرگی ساخته بودند، از فواره حوض دارالفنون همیشه آب پاک و صافی به حوض می‌ریخت و از جوی بیرون می‌رفت. در ضلع شرقی پشت کلاس‌ها چند مغازه ساخته بودند و بر بالای آنها نیز بالاخانه‌هایی چند که سال‌ها محل وزارت علوم و معارف بود. در ضلع شمالی محوطه‌های وسیع و چند اتاق کوچک و بزرگ بود که به قسمت نظام و موزیک اختصاص داشت، بعدها معلوم شد که مدرسه به اتاق‌های دیگر نیازمند است، وزیر علوم درصدد تدارک برآمد، اما صاحبان مستغلات مجاور مدرسه به فروختن آنها جهت توسعه راضی نمی‌شدند، در نیمه اول سال ۱۳۰۴ (ه.ق) نیرالمک با همراهی امین مستغلات که آن موقع وزیر مالیه بود این کار را فیصله بخشید و پس از آن که قسمتی از آن مستغلات را خرید چند اتاق و تالاری بزرگ بنا کرد. به غیر از توسعه دارالفنون در قسمت شمال که ساختمان آن در حال حاضر تخریب شده و به زمین ورزش مرکز تربیت معلم اختصاص یافته است خود ساختمان اصلی مدرسه نیز دوبار تخریب و از نو ساخته شده است چنانکه داستان اولین تخریب و ساختمان مجدد را احتشام السلطنه در خاطراتش چنین توصیف می‌کند:

ساختمانی که نقشه آن به توسط میرزا رضا مهندس باشی تهیه و عملیات بنایی آن را ... امیرکبیر شخصا سرپرستی و انجام داده است، از آسیب دشمنی و فساد دربار ناصرالدین شاه و ایادی و اطرافیان او مصون نماند. محمد ابراهیم خان معمار باشی دایه کارمان میرزا نائب السلطنه که در دهسال آخر قرن سیزدهم و نه سال اول قرن حاضر (تا هنگام مرگ سال



ناصریه پس از تأسیس دارالفنون مکان تجمع کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها شد. این تصویر نمای کتابخانه شمس‌العماره را نشان می‌دهد.



سر در مدرسه دارالفنون

- ۳- بروگش، هیرش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه مهندس کردیچه، ۱۳۴۷، اطلاعات، جلد ۱، ۲۶۰، ۲۶۱.
- ۴- بلاغی، حجت، تاریخ تهران، بی تا، جلد ۱، ۶۵-۶۷.
- ۵- همانجا، ۸۱-۸۲.
- ۶- همانجا، ۷۸-۷۹.
- ۷- همانجا، ۷۳، ۷۴.
- ۸- معظونی، محمدتقی، آثار تاریخی طهران (لماکن متبرکه)، ۱۳۴۱، انجمن آثار ملی، ۹۶.
- ۹- ذکاء، تاریخچه ساختمانی ارگ سلطنتی تهران ۲۹.
- ۱۰- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، المآثر والأثار، ۱۳۶۳، اساطیر، جلد ۱، ۱۰۱.
- ۱۱- همانجا، ۱۰۴، ۱۰۵.
- ۱۲- کریمان، حسین، تهران در گذشته و حال، ۱۳۵۵، دانشگاه ملی ایران، ۲۸۸، ۲۸۹.
- ۱۳- روزنامه شرف، زیر نظر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، شماره ۲۶، ربیع الثانی ۱۳۰۲ هـ. ق، ۱۳۴۴، پساوی- فرهنگسرا، ۱۰۶.
- ۱۴- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مرآت البلدان، دانشگاه تهران، جلد ۳، ۱۵۲۷.
- ۱۵- ذکاء، تاریخچه ساختمانی ارگ سلطنتی تهران، ۳۳۸-۳۵۲.
- ۱۶- شیبانی (صاحب الممالک)، میرزا ابراهیم، منتخب التواریخ، ۱۳۴۶، علمی، ۲۲۸.
- ۱۷- روزنامه شرف، زیر نظر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، شماره ۶۸، ۱۳۰۶ هـ. ق، ۱۳۴۴، پساوی- فرهنگسرا، ۲۷۶.
- ۱۸- اعتمادالسلطنه، المآثر والأثار جلد ۱، ۸۸.
- ۱۹- همانجا، ۱۲۲.
- ۲۰- مخیرالسلطنه، مهدیقلی هدایت، خاطرات و خطرات، ۱۳۴۴، زوار، ۵۳.
- ۲۱- فوروری، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس آقبال، ۱۳۴۶، علمی، ۱۲۵، ۱۲۶.
- ۲۲- مجله بلدیه، شماره ۱۴، بهمن ماه ۱۳۰۶ هـ. ش.
- ۲۳- روزنامه اطلاعات، ۱۳۰۷/۴/۲۰.
- ۲۴- روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۳/۲/۲۵.
- ۲۵- روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۳/۴/۲۸.
- ۲۶- سدیدالسلطنه، محمدعلی خان، سفرنامه سدیدالسلطنه، ۱۳۲۴، بهنشر، ۵۳۸.
- ۲۷- همانجا، ۵۷۰.

۱۳۵۹ ق) وزیر تهران و وزیر بنائی بود و برخوردار از حمایت خواهرزاده خویش برای این که محل چند هزار تومان منفعت دست و پا کند، بنای قدیمی دارالفنون را که در هر جز آن سلیقه توأم با هنرمندی به کار رفته بود خراب کرد و بنای فعلی که بیشتر شبیه کاروانسراهای داخل کویر است و حقیقا برای ریاط و کاروانسرا متناسب است، ساخت. عجب آنکه بنای اصلی دارالفنون بر طبق نقشه میرزا رضا مهندس چنانکه گفتیم به وسیله محمد تقی خان معمار باشی پدر محمد ابراهیم خان (وزیر نظام) که آن را خراب کرد و بنای فعلی را ساخت، ساخته شده بود.

ولی ساختمان فعلی دارالفنون این بنای اخیرالذکر نیز نیست بلکه در سال ۱۳۱۳ ش ساخت شده و ابتدا به عنوان اولین دانشکده فنی به ریاست دکتر حسامی گشایش یافته است. شایان ذکر است که خیابان ناصرخسرو در این جنبه در سال ۱۳۰۷ ش یعنی شش سال پیش از بازسازی دارالفنون تعرضی شده بوده است. به هر حال اندکی بعد از این تاریخ با گشایش دانشگاه تهران دانشکده فنی نیز به آنجا منتقل شد و بدین ترتیب دارالفنون از نقشی که به مدت هشتاد سال به عنوان عالی ترین کانون آموزش علوم جدید در خاورمیانه ایفا کرده بود نزول کرد و به دبیرستان اختصاص یافت.

پانوشته

- ۱- ذکاء، بحی، تاریخچه ساختمانی ارگ سلطنتی تهران، ۱۳۴۹، انجمن آثار ملی، ۱۸.
- ۲- نگه کنید به نقشه ۱۲۷۵ هـ. ق تهران موسوم به نقشه کریشیش خان.